

سعی در مقادیر توسعه‌یافته مسعی (توسعه عرضی)

از منظر فقه مذاهب اسلامی

مهدی درگاهی^۱، عبدالصمد علی‌آبادی^۲*

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته سطح چهار حوزوی و پژوهشگر پژوهشگاه المصطفی (ص)

۲. مدرس حوزه و دانشگاه؛ دانشجوی دکتری رشته مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

(تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۹)

چکیده

سعی در مقادیر توسعه‌یافته و حکم آن یکی از مسائل نوپدید در فقه اسلامی است و نظر به افزایش دوبرابری توسعه عرضی ساختمان مسعی در سال‌های اخیر و در کنار مسجدالحرام، حکم فقهی مسعی (به‌عنوان یکی از ارکان حج و عمره) از منظر فقه مذاهب اسلامی چندان هویدا نیست. چون تحقیقی موسع و یکپارچه در این موضوع صورت نگرفته! پرسش از حکم سعی در مقادیر توسعه‌یافته، از حیث عرضی مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخ درخور خواهد بود. با توجه به تتبع در منابع فقه مذاهب اسلامی، هر چند معدودی از اندیشوران حوزه فقه، سعی در برخی مقادیر توسعه‌یافته جدید را مجزی نمی‌دانند و معتقدند که آن مقادیر از حد فاصل دو کوه صفا و مروه بیرون است، منتها بنا بر شهادت شهود و بررسی‌های تاریخی، جغرافیایی و زمین‌شناسی کارگروه ناظر بر توسعه مسعی، می‌توان مقادیر توسعه‌یافته را جزیی از حد فاصل دو کوه صفا و مروه دانست و به اجرای سعی در آن حکم کرد. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین فقهی حکم وضعی سعی در مقادیر توسعه‌یافته عرضی انجام گرفته و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی با گردآوری داده‌های کتابخانه و تفحص میدانی میسر است که نتیجه آن، اجرای سعی در مقادیر توسعه‌یافته است.

واژگان کلیدی

اجزاء، توسعه عرضی مسعی، حج و عمره، سعی، فقه مذاهب اسلامی.

مقدمه

کثرت حجاج و عمره‌گذاران بیت‌الله الحرام در سال‌های اخیر و کوچک بودن برخی اماکن حج و عمره و از جمله مسیر بین دو کوه صفا و مروه یا همان محل سعی و سعی، تولیت مسجدالحرام را بر آن داشت که به دلیل تسهیل در امور حجاج و عمره‌گذاران، مکان مذکور را بازسازی کند و توسعه طولی و عرضی دهد. هم‌اکنون سعی در توسعه عرضی، به دو برابر مقیاس پیشین افزایش یافته و این افزایش چنین است که تمامی مسیر رفت و برگشت حجاج در مسعای قدیم، به یک مسیر یک طرفه به عرضی حدود بیست متر تبدیل شده است و به کسانی اختصاص دارد که از کوه مروه به صفا برمی‌گردند. در نتیجه در کنار آن، مسیری به عرض بیست متر دیگر احداث شد تا حجاج از کوه صفا به مروه روند. این مسیر، در سمت راست کسانی قرار دارد که بر روی کوه صفا ایستاده‌اند و آغازگر سعی (به‌عنوان یکی از ارکان حج و عمره) هستند.

این توسعه در کنار توسعه ارتفاع با احداث چندین طبقه بین دو کوه صفا و مروه انجام پذیرفت و نتیجه آن محو شدن ظاهری اثرات دو کوه صفا و مروه بود، چنانکه به‌صورت عادی نمی‌توان اثری از آن دو کوه یافت و حجاج در وهله اول در آن ساختمان عریض و طویل، مبهوت و متعجب، به‌دنبال کوه صفا و مروه می‌گردند، حال آنکه اثری از آن دو نمانده است. هر چند به‌صورت نمادین، در طبقه همکف با ایجاد شیب تندی در انتهای مسیر منتهی به کوه، به حجاج فهمانده‌اند که هم‌اکنون در دامنه کوه ایستاده‌اند.

این توسعه عظیم، موجب تشکیک در محدوده عرضی سعی شده است تا جایی که برخی اندیشوران، مقادیر جدید را حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه ندانسته‌اند و معتقدند چندین متر از مقادیر توسعه‌یافته بین دو کوه صفا و مروه واقع نیست و در نتیجه سعی در آن مقادیر، مجزی نیست و چنانچه حجاج در آن مسیر سعی انجام داده باشند، نظر به رکن بودن سعی در اعمال حج و عمره، اعمال آنها باطل است (درگاهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۶۷).

هرچند تبیین این مطلب که مقادیر توسعه‌یافته میان دو کوه صفا و مروه قرار دارد و سعی در آن مجزی است، مسئله‌ای موضوع‌شناختی و منوط به فهم عرف و مردم خواهد

بود و شاید برخی مکلفان بنا بر اطمینان به دولت میزبان و متولی مسجدالحرام، به محدوده عرضی مسعی اعتماد کنند و موضوع عمل سعی، برای آنها مُحَرَز شود، اگر مکلفی از کشف موضوع حکم درماند و نتوانست از ظاهر امر موضوع تکلیف خود را تشخیص دهد، باید از باب رجوع جاهل به عالم، به علما و متخصصان در امور فقهی مراجعه کند و موضوع حکم را بشناسد و عمل کند. در مسئله حاضر نیز، از آنجا که شناخت موضوع سعی که همان پیمودن حد فاصل دو کوه صفا و مروه است، برای عموم مسلمانان سخت و دشوار محسوب می‌شود، بر اندیشمندان حوزه فقه لازم است با ورود به تبیین موضوعی، امر را برای امثال بهتر حکم فراهم کنند و مکلفان در صورت جهل به موضوع مُلْزَم به پیروی از آنها هستند، زیرا رجوع جاهل به عالم ضروری است.

در ادامه، ابتدا به صورت خلاصه و موجز، تغییرات مسعی در طول تاریخ اسلام و حکم سعی در خارج از محدوده دو کوه صفا و مروه تبیین و با تکیه بر آن، دیدگاه فقها در زمینه سعی در مقادیر جدید مطرح و شواهد و قرائنی که نشان‌دهنده عرض واقعی مسعی است، ارزیابی می‌شود و در نهایت با اثبات موضوع سعی، که همان پیمودن بین حد فاصل دو کوه صفا و مروه است، حکم سعی در تمام مقادیر توسعه‌یافته، تبیین و صحت و اجزای سعی در مقادیر مذکور اثبات خواهد شد.

مسعی در طول تاریخ اسلام

اولین تغییر در مسعی از عملکرد خلیفه دوم در خراب کردن منازل بین کوه صفا و مروه و توسعه محل سعی گزارش شده است (سباعی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). بعد از این تا دوران منصور عباسی به سال ۱۳۷ق و بعد از آن مهدی عباسی به سال ۱۶۷ تغییرات و توسعه‌ای در تاریخ اسلام منعکس نشده است. در این دوران، منصور و بعد از آن مهدی عباسی تغییرات گسترده‌ای در مسجدالحرام و مسعی ایجاد کردند (ازرقی، بی تا، ج ۱: ۳۱۳ و سباعی، همان: ۲۰۹) تا جایی که حکم فقهی تخریب منازل برای توسعه در منابع روایی مذهب امامیه از حضرت جعفر بن محمد (ع) در دوران منصور و حضرت موسی بن جعفر (ع) در دوران مهدی منعکس شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۲۱۸). این محدوده با وجود بازسازی

و نوسازی‌های بسیار در زمان خلفای مملوکی و عثمانی و دوران اول حکمرانی سعودی‌ها، افزایش نیافت و تا همین اواخر کتیبه‌های بر جای مانده از دوره مهدی عباسی بر برخی ستون‌ها توجه هر زائری را به خود جلب می‌کرد (سباعی، همان: ۳۹۸ و ۳۹۹).

در سال ۱۳۶۶ق، مسعی به عرض ۲۰ متر توسعه یافت و مغازه‌های اطراف آن تخریف و مُجدداً سنگفرش و مسقف شد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۲۴ و ۱۲۵) این وسعت، هیچ‌گونه تشکیکی در اذهان ایجاد نکرد، چه اینکه آثار کوه باقی مانده بود و همگان متفق بودند که عرض یادشده، بین کوه صفا و مروه است و سعی در آن مُجزی است.

در سال‌های اخیر، توسعه عرضی مسعی به ۴۰ متر رسید که متشکل از دو مسیر رفت و برگشت به عرض حدود ۲۰ متر است و در قسمت وسط آن، محلی برای عبور ویلچر اختصاص یافت. این وسعت در کنار توسعه از جهت ارتفاع با احداث زیرزمین و سه طبقه در بالای آن در قالب ساختمان عظیمی و تخریب اطراف آن بنا شد (ابن‌دهیش، ۱۴۲۹: ۸۵ و ۸۹). با مشاهده و دقت در بنا، باید گفت سطح زیر زمین مسعی با سطح مسجدالحرام برابر و هموار است و گویا در توسعه اخیر، ریشه کوه صفا و مروه تراشیده شد و محل سعی برای حجاج به زیر مسعی قدیم (زیرزمین فعلی) توسعه یافته است.

حکم فقهی سعی در محدوده خارج از حد فاصل دو کوه صفا و مروه

به اتفاق فقهای مذاهب اسلامی، سعی در خارج از حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه صحیح و مجزی نیست و باید تمام اشواط هفتگانه سعی بین صفا و مروه اعاده شود (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۴۰۸، کاشانی حنفی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۳۹۶؛ ابن‌عبدالبر مالکی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۶۸؛ حوسنی، ۱۴۲۹: ۵۷؛ نووی شافعی، بی‌تا، ج ۸: ۷۶؛ ابن‌قدامه حنبلی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۵۰).

البته در دیدگاه برخی اندیشوران فقه مذهب شافعی، خروج به مقدار کم از مسعی به هنگام سعی، خللی در سعی وارد نمی‌کند (نووی، همان). در هر حال، مهم آنست که بنا بر اتفاق علمای مذاهب فقه اسلامی، سعی باید بین کوه صفا و مروه انجام پذیرد تا صحیح باشد. بنابراین، مسعی در نظر ایشان، همان حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه یا بین الجبلین

است. اگر در توسعه‌ی عرضی، این مهم تأمین و بین دو کوه بودن احراز شود، سعی بنا بر نظر علمای مذاهب اسلامی صحیح و مجزی خواهد بود و اگر در محدوده‌ی توسعه‌یافته شک عقلایی شود و بین دو کوه بودن احراز نشود، احتیاط آنست که در مسعای قدیم سعی صورت گیرد.

دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی نسبت به اجزای سعی در مقادیر توسعه‌یافته جدید

همان‌طور که گفته شد، ملاک در اجزای سعی در مقادیر توسعه‌یافته، احراز بین دو کوه صفا و مروه واقع شدن مقادیر توسعه‌یافته است. در صحت سعی در مقادیر توسعه‌یافته دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: صحت سعی در مسعای جدید

بنا بر نظر غالب فقهای معاصر از مذهب امامیه، سعی در مسعای جدید صحیح و مجزی است (درگاهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۱). و از فقها و هیأت کبار علمای سایر مذاهب در کشورهای اسلامی نیز برخی بر این عقیده‌اند (ابوسلیمان، ۱۴۲۹: ۶۸؛ ابن‌دهیش، ۱۴۲۹: ۱۸۰؛ المطرفی، ۱۴۳۳: ۷۲).

دیدگاه دوم: عدم صحت سعی در مسعای جدید

بعضی از اندیشمندان فقه امامیه در برخی از مقادیر توسعه‌یافته تشکیک کرده و آن را خارج از حد فاصل دو کوه صفا و مروه دانسته‌اند و حکم سعی در آن را مجزی نمی‌دانند (درگاهی و دیگران، همان).

گروهی از اندیشوران حوزه فقه سایر مذاهب نیز مسعای جدید را بین دو کوه صفا و مروه ندانسته و سعی در آن را مجزی نمی‌دانند (الشَّریف، بی‌تا: ۹) تا جایی که گفته شده، این نظریه، نظر اعضای هیأت کبار علما در برخی کشورهای اسلامی است (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۵۴).

قائلان به نظریه دوم معتقدند که حاجی باید در همان مسعای قدیم سعی کند و این امر گاهی موجب ازدحام در مسعای قدیم می‌شود. چه اینکه مسیر برگشت از مروه به صفا که مسعای قدیم است، برای رفتن به صفا از مروه استفاده می‌شود.

برخی نواندیشان فقه اسلامی در تبیین نظریه فوق به ادله ذیل تمسک جست‌اند که شایسته دقت و تأمل است:

۱. مسعی حدودی دارد و اندازه آن از دیرباز در منابع تاریخی گزارش شده است؛ از ازرقی، عرض مسعی، سی و پنج ذراع و نصف (الازرقی، بی تا، ج ۲: ۱۱۹) و از فاکهی، سی و پنج ذراع و دوازده انگشت (فاکهی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۴۳) و از شروانی شافعی سی و پنج ذراع، علی التقریب، در منابع به ثبت رسیده است (شروانی، بی تا، ج ۴: ۹۴).

با توجه به حدود انعکاس‌یافته در منابع و مشاهدات عینی و واقعی از ریشه دو کوه صفا و مروه، قبل از تجدید مبنای ابتدایی مسعی توسط حکام سعودی، تحقیقی پیرامون عرض مسعی صورت گرفت و اعلان شد که عرض مسعی شانزده متر و نصف است (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۵۴). با این اوصاف، حدود عرض مسعی مضبوط است و قابل تغییر و تبدیل نیست و تجاوز از آن به قسمت‌های اضافه‌شده صحیح نیست (همان: ۳۵۵).

اشکال

شایان ذکر است که تعیین حدود مسعی به مثل تعیین حدود سرزمین عرفات و سرزمین مشعر و منی نیست. چه اینکه حدود آن سه، توسط شارع حکیم تعیین و توسط پیامبرش ابلاغ و همچون حدود حرم امن الهی با علامت‌هایی مشخص شده و علایم توسط پیروان مکتب توحید، سینه به سینه، تا به امروز حفظ شده است، هرچند در برخی جهات، به دلیل ویران شدن علایم، حدود اجمال دارد. در هر حال، باید دقت شود که گزارش حدود عرض مسعی توسط برخی، بر تحدید آن دلالتی نیست. چه اینکه این حدود، در واقع، اندازه آن مقداری است که مردم آن دوران در آن سعی انجام می‌دادند، و نه عرض واقعی بین صفا و مروه (همان: ۳۵۶). به عبارت دیگر، حدود مسعی به مثل حدود عرفات، مثلاً مستنبط از ادله وحیانی نیست و اگر مکلف خود با مشاهده ریشه کوه و برخی قراین و شواهد در کشف موضوع، که در ادامه خواهد آمد، به این نتیجه رسد که عرض مسعی بزرگ‌تر است، تحدید امثال ازرقی و دیگران مانع عمل مکلف به یافته خود از موضوع تکلیف نمی‌شود. البته جواز توسعه مسعی، به معنای اضافه کردن به بیش از محدوده دو کوه

صفا و مروه نیست، بلکه واضح کردن قسمت‌هایی از مسعی است که در طول زمان‌های گذشته، مسلمانان از آن مقادیر غافل بوده‌اند و واکاوی قراین و شواهد حاکی از آن است که حدود مسعی بیش از آنچه است که برخی تصور می‌کنند.

۲. سد ذریعه: بنا بر نظر برخی، توسعه مسعی و صدور جواز سعی در قسمت‌های توسعه‌یافته، دست‌آویزی برای تغییرات و توسعه اماکن دیگر حج مثل عرفات و منا می‌شود. پس برای جلوگیری از این عمل حرام، باید از مقدمات آن سد کرد. به عبارت دیگر، برای اینکه دیگران در توسعه غیرشرعی در عرفات و منا، به قیاس در توسعه مسعی روی نیاورند، باید جلوی توسعه مسعی گرفته شود (همان: ۳۶۰).

اشکال

همان‌طور که بیان شد، جواز سعی در مقادیر توسعه‌یافته به این معنا نیست که در بیش از عرض واقعی دو کوه صفا و مروه مثلاً سعی صورت گیرد. بلکه توسعه تنها در عرض واقعی همان دو کوه است. پس وقتی با توجه به برخی قراین و شواهد که خواهد آمد، برای خبرگان در علم موضوع‌شناسی ثابت شد که مسعی به این مقدار است، دیگران از باب رجوع جاهل به عالم به او در تشخیص موضوع مراجعه و پیروی می‌کنند.

ادله دیگری نیز بر عدم جواز سعی در مسعای جدید مطرح شده است که شبیه به همین ادله هستند (الشریف، بی تا: ۹) و تمام آنها بازگشت به این دارد که مسعای جدید بین صفا و مروه نیست و حال آنکه همه کسانی که سعی در مسعای جدید را جایز می‌دانند، اتفاق دارند که مسعای جدید بین دو کوه صفا و مروه است.

ادله، شواهد و قراین حاکی از اجزای سعی در مقادیر توسعه‌یافته جدید

در این بخش به ارائه قراین و شواهدی اشاره می‌شود که توجه به تمام آنها ثابت‌کننده این امر است که مقادیر توسعه‌یافته، حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه است و سعی در آن مُجزی خواهد بود.

قرینه اول: وسیع‌تر بودن مسعی در دوران قدیم

روشن است که استناد به روایت و حدیث، در این مجال راه ندارد، منتها توجه به برخی

نکاتِ مُندرج در گزارش‌های روایی، تشخیص موضوع سعی را برای مکلف آسان می‌کند.

الف) در دوران «منصور عباسی» در سال ۱۳۷ق، وقتی خانه‌های اطراف مسجدالحرام و مسعی به بهانه توسعه امکان حج تخریب شد، برخی نماز خواندن در مقادیر توسعه‌یافته را نماز در مکان غصبی بدانند. چون تصرف حکومت در تخریب خانه‌های اطراف را تصرفِ عدوانی و بدون رضایت صاحبان آنها می‌دانستند؛ تا جایی که پیروان مذهب امامیه از جعفر بن محمد (ع) در مورد مکان‌های توسعه‌یافته مسجد می‌پرسد که آیا جزو مسجد محسوب می‌شود یا نه؟ آن حضرت می‌فرماید: «نَعَمْ إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا بَعْدُ مَسْجِدَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ؛ بله [البته که از مسجد است]، اما [این توسعه‌ها] هنوز به حد مسجدی که حضرت ابراهیم و اسماعیل بنا نهادند، نمی‌رسد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۲۶، ح ۸). در گزارش دیگر تصریح شده است که «وَكَانَ الْمَسْعَى أَوْسَعَ مِمَّا هُوَ الْيَوْمَ - وَ لَكِنَّ النَّاسَ ضَعُفُوهُ...؛ مسعی در دوران پیش از این، بسیار بزرگ‌تر و وسیع‌تر بود، اما مردم [با ساختن خانه بر روی آن و تخریب کوه] آن را کوچک کردند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۴۸، ح ۱۲).

سخن حضرت جعفر بن محمد (همان) و حضرت موسی بن جعفر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۲۱۸) ناظر به این مطلب است که مقادیر واقعی مسجد و مسعی بسیار بزرگ‌تر از مقادیر توسعه‌یافته و تصور مردمان در آن روزگار است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۶: ۲۶۵).

هرچند روشن است نهایت چیزی که از این گزارش‌ها ثابت می‌شود آنست که مسعی بسیار وسیع‌تر از محدوده توسعه‌یافته در دوران حضرت صادق (ع) است و ربطی به دوران حاضر و توسعه فعلی ندارد. منتها آنچه مد نظر نویسنده بوده، دقت در این نکته است که مسعی بسیار بزرگ‌تر از توسعه منصور و مهدی عباسی است که پیشتر گفتیم تا قبل از توسعه اخیر در دوران سعودی‌ها، سینه به سینه توسط مسلمانان حفظ و مرمت شده و حتی برخی کتیبه‌های آن دوران تا چند سال گذشته موجود بوده است. این نکته نشان می‌دهد که محدوده واقعی مسعی از محدوده قبل از توسعه اخیر سعودی‌ها که بیست متر بوده، قطعاً بزرگ‌تر است و با تتبع در آثار تمام اندیشمندان فقه اسلامی، کسی که مخالف این مطلب باشد، یافت نشد و حتی کسانی که مقادیر جدید توسعه مسعی را حد فاصل بین دو کوه

صفا و مروه نمی‌دانند، معترف هستند که تنها چندین متر از بیست متر توسعه جدید خارج از مسعی است.

ب) ابن سعد (م ۲۳۰) از یحیی بن عمران بن عثمان بن ارقم گزارش می‌دهد که گفت: «إِنِّي لَأَعْلَمُ الْيَوْمَ الَّذِي وَقَعَ فِي نَفْسِ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فِي حَجَّةِ حَجَّهَا وَنَحْنُ عَلَى ظَهْرِ الدَّارِ، فَيَمُرُّ تَحْتَنَا لَوْ أَشَاءُ أَنْ آخُذَ قَلَنْسُوْتَهُ لَأَخَذْتُهَا؛ می‌دانم که امروز ابو جعفر (منصور) چه کاری انجام داد. او در حال حج گزاردن بین صفا و مروه سعی می‌کرد، در حالی که ما بر بام خانه بودیم و او در قسمت پایین جایی که ما بودیم، حرکت می‌کرد و ما اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم تاج او را لمس کنیم» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۸۴) حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) (نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۵۷۴) و ابن جوزی (م ۵۹۷) (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۰) نیز گزارش کرده‌اند.

نحوه استدلال به این گزارش مستلزم یادآوری این مطلب است که خانه زبیدن ارقم طرف شرق مسعی و خارج از دیوار ساختمان مسعی از سمت صفا در قسمت شرقی است و محدوده آن تا قبل از توسعه اخیر مسعی مشخص بود زائران برای زیارت آن که سینه به سینه توسط مسلمانان حفظ شده بود، اقدام می‌کردند؛ این خانه یادآور سختی‌های پیامبر و اصحاب ایشان در دوران سه سال اول بعث و دعوت پنهانی پیامبر اعظم بود. یاران حضرت شب‌ها در این خانه جمع می‌شدند و مواظب و تعالیم اسلام را فرامی‌گرفتند.

در دوران رسول اکرم، بین این خانه و شرق صفا بیشتر از بیست متر فاصله بود و با گذشت زمان خانه‌هایی جلوی خانه ارقم ساخته شد و این ساخت‌وسازها بین خانه ارقم و صفا حائل شدند. منصور این خانه‌ها را تخریب و مسعی را به حدی توسعه داده بود که بر مبنای این گزارش، وقتی منصور در سعی بین کوه صفا و مروه، به کوه صفا می‌رسید، ابن ارقم می‌گوید: می‌توانستیم لباس او را لمس کنیم و این کنایه از آن است که منصور، به‌عنوان حاکم اسلامی و امیرالحاج و مسلمانان به تبع او در امثال سعی، این قسمت‌ها را هم مسعی می‌دانستند (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۴۶) و نظر به اینکه، به سال ۱۴۰ هجری امام صادق (ع) در موسم حج حضور داشت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۳۹۹، ح ۴) و توسعه

مذکور در مسعی که از سمت شرق تا خانه زیدبن ارقم کشیده شده بود را دیدند و اعتراضی نکردند؛ پس این محدوده را حد فاصل واقعی دو کوه صفا و مروه می‌دانستند و احتمال تقیه بودن سکوت حضرت در موضوعات پذیرفته نیست. به عبارت دیگر، وجوب ارشاد جاهل به موضوع، سبب می‌شود که اگر شناخت موضوع برای عموم مسلمانان در امثال حکم به طور عادی میسر نباشد، بر عالمان موضوع، تذکر به موضوع (که همان تعیین محدوده واقعی مسعی است) ضروری باشد.

البته شایان ذکر است که محدوده مسعی در دوران منصور که تا خانه زیدبن ارقم کشیده شده بود، بعدها در طول تاریخ دستخوش تغییراتی قرار گرفت و دوباره محل خانه‌سازی بسیاری از افراد قرار گرفت؛ به حدی که در توسعه اول سعودی‌ها، همین خانه‌ها برای توسعه مسعی در همان بیست متر اول تخریب شد.

قرینه دوم: بزرگ بودن کوه صفا و مروه

این قرینه که از فحص کلمات مورخان، مفسران و اهل لغت در کتاب‌های خود از وصف کوه صفا و مروه به دست می‌آید آنست که صفا و مروه بخشی از کوه دیگری نبودند، بلکه خود کوه بزرگی، دارای قله و عرض و امتداد وسیع بوده‌اند (قرطبی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۱۷۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶، ۲۹۷؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۱۱۶). هرچند در حال حاضر اثری از دو کوه نیست. توجه به بزرگی آن (مخصوصاً در ریشه و قسمت تحتانی) نشان می‌دهد که عرض دو کوه بیش از عرض مسعی در توسعه جدید، به‌ویژه در زیرزمین مسعی جدید است (المطرفی، ۱۴۳۳: ۵۲).

قرینه سوم: شهادت شهود بر عریض بودن دو کوه صفا و مروه

شناخت اماکن و مواضع مناسک حج و عمره مثل موقعیت صفا و مروه، موقعیت عرفات و مشعر و منی و امثال آن، برای کسانی که در طول عمر خویش تنها یک مرتبه به سرزمین وحی می‌روند و آن را مشاهده می‌کنند و به دنبال امثال فریضه الهی حج و عمره هستند، بدون شهادت اهل خبره و کسانی که در مکه مکرمه ساکنند یا از موقعیت اماکن اطلاع دارند، امکان‌پذیر نیست؛ پس از باب رجوع جاهل به عالم، بر مکلفان و حاجیان

ضروری و لازم است که برای شناخت اماکن و مواضع مناسک حج، از جمله حدود مسعی، به اهل خبره و آگاهان این امر مراجعه کنند و در تشخیص موضوع حکم از آنها یاری بجویند. با ذکر این مقدمه، توضیح استناد به قرینه سوم چنین خواهد بود:

عده‌ای از کهنسالان و سالخوردهگان اهل مکه که حدود سی نفر بودند، شهادت داده‌اند که دو کوه صفا و مروه دارای عرضی وسیع و پهن و بیش از چند متر بوده است. برخی از آنها تصریح کردند که هر دو کوه از ناحیه شرقی، یعنی قسمت جدید توسعه‌ی مسعی، بسیار وسیع و پهن و دارای شانه بود و خانه‌هایی بر روی آنها بنا شده بود (سندی، بی‌تا: ۱۱) و آنچه این گفته‌ها را تأیید می‌کند وجود ارتفاع طبیعی و محسوسی بوده که در قسمت شرقی در امتداد مروه، قبل از توسعه‌ی سال ۱۴۲۸ق، وجود داشته است که نظریه پهن‌تر بودن مروه از قسمت شرقی را تأیید می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۹: ۲۲).

شیخ عبدالرحمن معلمی یکی از شاهدان است؛ بنا بر توصیف و گفته او سزاوار است که مسعی توسعه یابد، چون صفا و مروه در گذشته (که خود شاهد بوده است) پهن‌تر از اکنون بود. او ساختمان‌سازی بر روی هر دو کوه را سبب تخریب بخشی از آن دو کوه و در نتیجه کوچک شدن عرض دو کوه در سمت مشرق، قبل از توسعه‌ی اخیر سعودی‌ها می‌داند (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۴۸).

شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن عبدالقادر از دیگر شهود است. او که پرده‌دار کعبه بوده است در این زمینه تصریح می‌کند: «کوه مروه به سمت شرق، شمال و غرب امتداد داشت و من فاصله آن را به متر مربع به یاد نمی‌آورم، اما کوه صفا به حدی از سمت مشرق ادامه داشت که به نزدیک قشاشیه - نام خیابانی در نزدیکی کوه صفا - می‌رسید. این فاصله هم‌اکنون ۵۰ متر است (ابوسلیمان، ۱۴۲۹: ۵۶).

گفتار درویش بن صدیق بن درویش نیز شایان ذکر است. او می‌گوید: «خانه ما در گذشته در جهت شرقی انتهای مسعی در مروه و بر روی صخره‌های بلند مروه قرار داشت و در اثنای توسعه‌ی مسعی قسمت بزرگی از این صخره‌ها که خانه ما در آن منطقه بود، ویران شد». این سخن با تعیین مکان خانه او نشان می‌دهد که کوه مروه از سمت شرق حدود ۴۰

متر بوده است (همان). او در ادامه حکایت می‌کند که «کوه صفا در ناحیه‌ای کوهستانی و چسبیده به کوه ابوقبیس بود و من از منطقه مسعی در کوه صفا تا منطقه احیا در پشت کوه بالا می‌رفتم».

قرینه چهارم: توجه به ابعاد جغرافیایی دو کوه صفا و مروه

علاوه بر کلمات شهود که حاکی از عریض و پهن بودن دو کوه صفا و مروه است، یافته‌های جغرافیدانان نیز با امتداد هر دو کوه مطابق توسعه جدید مسعی تطابق دارد.

بعد از تحقیق و بررسی درباره حدود کوه صفا و مروه، جغرافیدانان سعودی اعلام کردند که امتداد سطحی کوه صفا ۳۰ متر و امتداد سطحی کوه مروه ۳۱ متر است (ابوسلیمان، ۱۴۲۹: ۴۸) همچنین کارگروه متشکل از جغرافیدانان و زمین‌شناسان در یافته‌های خود به این باور رسیدند که امتداد سطحی کوه مروه قطعاً ۲۵ متر کمتر نیست. این نکته بعد از بررسی صخره‌هایی اثبات شد که از ناحیه شرقی کوه مروه برداشته شده بود. مشابه آن نیز در صخره‌های کوه صفا نیز دیده شده است (سبحانی، ۱۴۲۹: ۲۵).

ناگفته نماند که اندازه‌های فوق، بدون احتساب حدود مسعای قدیم (یعنی بیست متر) است که اگر این مقدار به مسعای قدیم اضافه شود، اندازه آن بیشتر از مسعای جدید می‌شود. در عرض مسعای جدید و توسعه یافته همان حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه است.

نتیجه‌گیری

حکم به اجزای سعی در مسعای توسعه یافته جدید، منوط به احراز آنست که این محدوده بین دو کوه صفا و مروه واقع شده باشد. پس اگر مکلف و حاجی خود از این واقعیت آگاهی داشته باشد، موضوع حکم شرعی سعی برای او روشن است و بنا بر اطمینان خود، به امتثال سعی مبادرت می‌ورزد. حال اگر جاهل باشد از باب وجوب رجوع جاهل به عالم، به آگاهان از مواضع و اماکن حج و عمره مراجعه می‌کند و نسبت به آگاهی از موضوع حکم سعی (که همان شناخت حد فاصل دو کوه صفا و مروه است) اقدام می‌کند. توجه به قراین روایی که از محدوده پیشین مسعی پرده برمی‌دارد و توجه به مسمای کوه بودن صفا

و مروه، سبب می‌شود تا مکلف اطمینان کند که بخشی از محدوده جدید مسعی، قطعاً بین صفا و مروه قرار دارد و با توجه به شهادت اهل خبره و یافته‌های زمین‌شناسان و جغرافیدانان، به این باور می‌رسد که مسعای توسعه‌یافته جدید همان حد فاصل دو کوه صفا و مروه است و سعی در آن مجزی خواهد بود. البته اگر به هر دلیلی برای مکلف اطمینان حاصل نشود، چون ملاک و معیار اطمینان خود شخص است، باید احتیاط کند و در قسمتی سعی خود را انجام دهد که یقین به بین‌الجبلین بودن آن داشته باشد. والله العالم المتعال.

منابع

١. ابن دهيش، عبدالملك بن عبدالله (١٤٢٩هـ/٢٠٠٨م). *حدود صفا التوسعه الحديثيه دراسه تاريخيه فقيهيه، مكه المكرمه: مكتبه الاسدي.*
٢. ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي (١٤١٠هـ). *الطبقات الكبرى (تحقيق: محمد بن عبدالقادر عطا)، بيروت: دارالكتب العلميه.*
٣. ابن قدامه مقدسي، عبدالله (١٣٨٨هـ). *المغني، القايره: مكتبه القايره.*
٤. ابن عبدالبر أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد (١٤٠٠هـ). *الكافي في فقه أهل المدينة، الرياض - المملكة العربية السعودية: مكتبة الرياض الحديثه.*
٥. ابوسليمان، عبدالوهاب ابراهيم (١٤٢٩هـ). *توسعه المسعى عزيمه لا رخصه دراسه فقيهيه - تاريخيه - بيئيه - جيولوجيه، جده: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامي.*
٦. الأزرقى، محمد (بى تا). *أخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، بيروت: دار الأندلس للنشر.*
٧. بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم (١٤٠٥هـ). *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.*
٨. جعفریان، رسول (١٣٨٩). *آثار اسلامي مكه و مدينه، تهران: مشعر.*
٩. جوزى، جمال الدين عبدالرحمن بن على بن محمد (١٤١٢هـ). *المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، المحقق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه.*
١٠. حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٠٩هـ). *وسائل الشيعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).*
١١. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤١٢هـ). *منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميه.*
١٢. حموى، ياقوت بن عبدالله (١٩٩٥هـ). *معجم البلدان، بيروت: دار صادر.*
١٣. الحوسنى، جابر بن على (١٤٢٩هـ). *المباحث المفيدة فى تحديد عرض المسعى و حكم توسعته الجديدة، بى جا: بى نا.*

۱۴. درگاهی و دیگران (۱۳۹۴). مناسک همراه، قم: نشر مشعر.
۱۵. سباعی احمد (۱۳۸۵). تاریخ مکه (از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه ۱۳۴۴هـ). مترجم: رسول جعفریان، تهران: مشعر.
۱۶. سبجانی، جعفر (۱۴۲۹هـ). رساله حول توسعه المسعی، قم: مؤسسه الامام الصادق.
۱۷. السجستانی، ابوبکر محمدبن عزیز (۱۴۱۶هـ). غریب القرآن، بیروت: دارالکتبیه.
۱۸. سندی، صالح بن عبدالعزیز بن عثمان (بی تا). کلمه الحق فی توسعه المسعی، بی جا: بی نا.
۱۹. الشروانی عبدالحمید (بی تا). حواشی الشروانی علی تحفة المحتاج بشرح المنهاج، بیروت: دارالنشر.
۲۰. الشریف، حمزه بن حسین الفجر (بی تا). التحقيق فی حکم الزیادة الجديدة فی عرض المسعی، بی جا: بی نا.
۲۱. الشلعان علی بن ناصر (۱۴۳۱هـ). النوازل فی الحج، الرياض: دارالتوحيد للنشر.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷هـ). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۳. الفاکهی، محمد (۱۴۱۴هـ). أخبار مكة فی التقدیم و حدیثه، تحقیق: عبدالملک عبدالله دهیش، بیروت: دارخضر.
۲۴. القرطبی، أبو عبدالله محمدبن أبی بکر بن فرح الانصاری (۱۴۲۳هـ). الجامع لاحکام القرآن، المحقق: هشام سمیر البخاری، الرياض: دار عام الکتب.
۲۵. الکاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶هـ). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیة.
۲۶. کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷هـ). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۷. المطرفی الحربی، عویدبن عیاد (۱۴۳۳هـ). رفع الاعلام بادلثة جواز توسیع عرض المسعی المشعر الحرام، مکه المکرمة: أمانة العاصمة المقدسه.
۲۸. النووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المهذب (مع تکملة السبکی والمطیعی)، بیروت: دار الفکر.

۲۹. النیشابوری، محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم (۱۴۱۱هـ). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.